

فلسفه برای کودکان و نوجوانان گفت و گو با متیولیمن

مختلف فلسفه برای کودکان است.

□ منظور از برنامه فلسفه برای کودکان چیست؟

■ در اواخر سالهای ۱۹۶۰ در دانشگاه کلمبیا واقع در نیویورک به درجه استاد تمامی فلسفه رسیدم. فکر می‌کردم که دانشجویان من فاقد قدرت استدلال و قدرت تمیز و داوری هستند، اما برای تقویت قابل ملاحظه قدرت تفکر آنها، دیگر بسیار دیر شده بود. به این فکر افتادم که این کار می‌بایست در دوران کودکی انجام می‌گرفت (و در آن زمان تقریباً فقط من بر این اعتقاد بودم). وقتی کودکان در سن یازده یا دوازده سالگی بودند، باید دوره‌های درسی در خصوص تفکر انتقادی را می‌گذراندند. اما برای تهیه موضوعی قابل فهم و مخاطب پسند، متون درسی بایستی به صورت داستان نوشته می‌شد، داستانی درباره منطق اکتشافی کودکان. اما به نظر می‌رسید که این کار نیز باید با دقت و ظرافت بسیار انجام می‌گرفت. این داستانها درباره فلسفه اکتشافی کودکان بود.

از این رو من کتاب **کشف هری استوتلمیر**^۳ را نوشتم (این عنوان ایماء و اشاره‌ای است به نام ارسطو). وقتی من آن را در سال ۱۹۷۰ به آزمایش گذاشتم، به نظر می‌رسید به خوبی کارگر افتاده است. در پی آن (با کمک آنه مارگارت شارپ) یک کتاب راهنما که شامل صدها تمرین فلسفی بود برای معلمان نوشتم. آن کتاب هم به خوبی نتیجه بخش بود. سپس شهر کلمبیا را ترک کردم و **پژوهشگاه توسعه و پیشبرد فلسفه برای کودکان**^۴ را در دانشگاه دولتی **مونتکلیر**^۵ تأسیس کردم. پس از چند سال، کتابی با عنوان **لینا**^۶ که منحصرأ مربوط به اخلاقیات بود، نوشتم. این کتاب تکمله کتاب **هری بود** و به کودکانی اختصاص داشت که اندکی بزرگ تر بودند. کتابهای بیشتر و بیشتری نوشته شد که هر کدام ویژه سطوح سنی خاصی بود. این کتابها به همراه کتابهای راهنمای کمک آموزی شان بودند. همچنین مجموعه متنوعی از کتابهای نظری تألیف و (به همت نشرهای دانشگاهی، همچون تمپل، کمبریج و تیچرز کالج) منتشر شد.

برنامه **فلسفه برای کودکان**^۷ علاوه بر فراهم آوردن کتابهای درسی متحد الشکل (داستانهای فلسفی برای کودکان)، یک طرح آموزشی واحدی دارد که در آن دانش آموزان سطوح مختلف با

قدرت تمیز، داوری و استدلال آوری از اهمیت انکارناپذیری در زندگی فردی و حیات جمعی برخوردار است. نقش این امور را در تفاهم میان آدمیان و در نتیجه نشان دادن **گفت و گو** به جای **جنگ** (به ویژه میان تمدن‌ها) نیز نمی‌توان نادیده گرفت. اگر دولتمردان و بنیان فرهنگ هر کشوری بخواهند آینده کشورشان را تضمین کنند باید در فکر تعلیم و آموزش نسلهای جدید در جهت ارتقا و تقویت تواناییهای فکری و ذهنی آنها باشند. تقویت قدرت تفکر، تعلیم تفکر انتقادی و... از جمله اموری است که در تربیت شهروندانی معقول نیز دارای اهمیت است.

با وجود این حتی در گروههای فلسفه دانشگاههای ما نیز بسیاری از دانشجویان، فاقد قدرت تمیز، داوری و استدلال آوری هستند. البته این موضوع به ایران یا به کشورهای جهان سوم محدود نمی‌شود، در کشورهای پیشرفته و کشورهای غربی نیز این امر محسوس بوده است. اما اندیشمندان و فلاسفه آنها مدتی حدود نیم قرن است که دست به کار شده‌اند. در این مدت تلاشهای زیادی انجام شده است. مطالعات، تحقیقات، کنفرانسهای متعددی صورت پذیرفته و نتیجه این بوده است که دوران دانشگاه برای تقویت قدرتهای ذهنی و استدلالی افراد بسیار دیر است و باید این کار را از دوره کودکی شروع کرد. بدین ترتیب شاخه دیگری از فلسفه متولد شده که **فلسفه برای کودکان** نام گرفته است و از این طریق فلسفه وارد دبستانها و مدارس راهنمایی گردیده است، گو اینکه این نوع فلسفه تفاوتهای بسیاری با فلسفه محض دارد.

پروفسور متیولیمن^۱ بنیان گذار این برنامه است. وی در سال ۱۹۵۴ م. دکترای خود را از گروه فلسفه دانشگاه کلمبیا گرفت. ۱۸ سال استاد فلسفه آن دانشگاه بود. سپس به دانشگاه دولتی مونتکلیر رفت و در آنجا **پژوهشگاه توسعه و پیشبرد فلسفه برای کودکان** را تأسیس کرد. برنامه او، یعنی **فلسفه برای کودکان**، جایزه سال ۲۰۰۱ انجمن فلسفی امریکا را به خاطر امتیازاتش به دست آورد. این برنامه از طرف **یونسکو** و **انجمن معلمان فلسفه امریکا** تقدیر شده است. لیمن نویسنده یا نویسنده همکار ۲۶ کتاب در فلسفه و تعلیم و تربیت است.

نوشتاری که در پیش رو است **گفت و گویی** با ایشان در زمینه تاریخیچه، ضرورت، موضوعات، مسائل، روشها و رویکردهای



پژوهشگاه علوم انسانی
پرتال جامع علوم انسانی

نیوده است. این برنامه بر اساس رهنمودهای جان دایزی و مری لیو ویگوتسکی^۸ که بر ضرورت تعلیم و پرورش ذهنی کودک از طریق بازی و گفتگو تأکید می‌کنند، به وجود آمده است. کودکان کافی نیست که صرفاً آنچه را که به آنها گفته می‌شود بی‌سپرده و سپس به یاد بیاورند، بلکه آنها باید نظریات آموخته و تجزیه و تحلیل کنند، درست دقیقاً همان‌طور که در زندگی واقعی می‌تواند اتفاق افتد. این امر نیازمند تفکر، پردازش اموری است که کودکان درباره جهان اطراف خود تجربه می‌کنند، پرسشگری، حل مسئله، و حواسشان یاد می‌گیرند، آنها نیز باید درباره آنچه در مدرسه یاد می‌گیرند بیندیشند. حفظ کردن مطالب، یک مهارت فکری کم

ارزشمند است. این مقاله به شما کمک می‌کند تا با استفاده از روش‌های یادگیری مبتنی بر بازی، به کودکان کمک کنید تا به یادگیری عمیق و ماندگار دست یابند. به عنوان والدین و معلمان، ما باید به کودکان کمک کنیم تا به یادگیری عمیق دست یابند و به یاد بگیرند. این مقاله به شما کمک می‌کند تا با استفاده از روش‌های یادگیری مبتنی بر بازی، به کودکان کمک کنید تا به یادگیری عمیق و ماندگار دست یابند. به عنوان والدین و معلمان، ما باید به کودکان کمک کنیم تا به یادگیری عمیق دست یابند و به یاد بگیرند.

ارزش و سطح پایین است؛ به کودکان باید مفهوم سازی، داوری و تمیز امور از همدیگر، استدلال و اموری از این قبیل رایاد داد. بعد از آزمایشی کوچک ولی فشرده که به واسطه این طرح به عمل آمد، (و نشان داد که می توان به کودکان استدلال آوری قیاسی و اصلاح شده ای رایاد داد بدون اینکه این کار «آموزش برای امتحان»^۹ باشد)، به تعدادی از افراد که دکترای فلسفه داشتند، تعلیم داده شد تا معلمان سرتاسر ایالات متحده را آموزش دهند و آنها در سالهای ۱۹۷۰ شروع به این کار کردند. در پایان این دهه، پنج هزار کلاس در این کشور از این برنامه بهره می بردند. این آزمایش نشان داد که با ارائه این برنامه برای کودکان یازده ساله، می توان به آنها یاد داد تا در مسائل مربوط به استدلالهای صورتی، ۲۷ هفته سن هوشی بالاتری داشته باشند.

با مساعدت دانشکده تعلیم و تربیت نیوجرسی و کمکهای بلاعوض بنیادهای خصوصی، اقدام به تشکیل کارگاههایی برای تربیت «معلم- مربی» کردیم تا آنها هم بعداً معلمان دیگری را تربیت کنند، معلمانی که استفاده از این برنامه را راه اندازی کنند. معلمان آموزش دیده گزارش دادند کودکان با خوشحالی به دوستانشان پاسخ می دهند، چرا که این کار به آنها امکان می دهد تا به راحتی و آزادانه در کلاس صحبت کرده و درباره ایده ها و نظراتشان با یکدیگر و نیز با معلم به بحث بپردازند.

از آنجا که فلسفه برای کودکان بیشتر یک برنامه مبتنی بر زبان و مهارتهای گفتاری است، توفیق آن رابطه تنگاتنگی با گسترش و بسط دقیق آن در مجموعه وسیع تری از زبانها دارد. (هر کشوری ترجمه ویژه خود را می طلبد و کاملاً بجاست که این گونه باشد)

□ در فلسفه برای کودکان چند رویکرد و نگرش وجود دارد؟ لطفاً در مورد این رویکردها توضیح دهید.

■ درست همان طور که رشته ای به نام فلسفه وجود دارد، همان طور هم یک فلسفه برای کودکان وجود دارد. اما هر یک از اینها روایتهای مختلفی دارند. مثلاً روایتهای مختلف و متعددی از فلسفه علم، فلسفه روان شناسی، فلسفه هنر و... وجود دارد. هر «فلسفه.....» یا فلسفه مضافی، نقد جامعی از رشته مورد بررسی اش است. اما فلسفه برای کودکان را نه می توان با تعلیم و تربیت یکی دانست و نه با فلسفه تعلیم و تربیت.

آنچه فلسفه برای کودکان نامیده می شود، تلاشی است برای بسط فلسفه، با این هدف که بتوان آن را بسان نوعی آموزش به کاربرد. این فلسفه، آموزشی است که از فلسفه برای واداشتن ذهن کودک به کوشش در جهت پاسخگویی به نیاز و اشتیاقی که به معنا دارد، بهره می برد.

اما فلسفه با کودکان^{۱۰} به عنوان یک شاخه فرعی کوچکی از فلسفه برای کودکان رشد کرد، به این معنا که فلسفه با کودکان از بحث و گفت و گو راجع به آرای فلسفی سود می برد، اما نه صرفاً به واسطه داستانهای نوشته شده برای کودکان. برنامه فلسفه با کودکان قصد دارد کودکان را به عنوان فلاسفه جوان پرورش دهد. اما هدف فلسفه برای کودکان، یاری کردن آنها برای بهره مندی از فلسفه به منظور بهبود بخشیدن به یادگیری همه موضوعات موجود در این برنامه درسی است.

در ابتدا وقتی به این موضوع علاقه مند شدم، گمان می کردم که

کودکان حتی بعد از تعلیم برای کسب دقت، انسجام و هماهنگی بیشتر، باز هم نمی توانند کاری بیشتر از تفکر انتقادی بکنند. اما تفکر انتقادی شامل مفهوم سازی، منطق صورتی و هیچ گونه مطالعه ای از نوع فلسفه سنتی نیست، یعنی هیچ یک از مواردی را که من کوشیده ام در فلسفه برای کودکان ارائه کنم، در بر ندارد. تفکر انتقادی، کودکان را به فلسفه باز نمی گرداند ولی اعتقاد من این است که کودکان دیگر به چیز کمتری رضایت نخواهند داد و زیر بار آن نخواهند رفت. البته آنها را نباید به این کار مجبور کرد. تفکر انتقادی در پی دقیق تر ساختن ذهن کودکان است؛ فلسفه هم به آن عمق می بخشد و آن را پرورش می دهد.

□ قوی ترین و پرنفوذترین رویکرد «فلسفه برای کودکان» کدام است؟

■ از نظر من برنامه ای که خود تدوین کرده ام و برنامه ای که به نام فلسفه برای کودکان نامیده می شود می تواند بهترین رویکرد نسبت به بهبود تفکر کودکان دانسته شود.
دلایل این امر عبارت اند از:

الف) علاقه: کودکان در خصوص کاری که علاقه بسیار شدیدی به آن دارند بیشتر تلاش می کنند. به دلایل زیر، P4C بیشتر مورد علاقه آنهاست: چون ۱. شامل داستانهای تخیلی است، ۲. درباره کودکانی همانند خودشان است و ۳. این برنامه آنها را وارد گفت و گویی درباره موضوعات بحث برانگیز (همچون اخلاق) می سازد. P4C از تفکر انتقادی می گذرد و فراتر می رود.

ب) هیچان: P4C آنها به تقویت تفکر انتقادی بسنده نمی کند. در این برنامه پذیرفته می شود که تفکر می تواند به شدت مهیج و احساسی باشد. این برنامه راههایی را فراهم می کند که به واسطه آنها کودکان امکان سخن گفتن را درباره خود و تحلیل آنها بیابند.

پ) تفکر انتقادی: P4C کاملاً در بر گیرنده تفکر انتقادی است، ولی آن را با وسعت و عمق بیشتری تعقیب می کند. تفکر انتقادی غالباً فقط «ضمیمه ای» برای برنامه های درسی رایج است، اما P4C این نیاز را به رسمیت می شناسد که کودکان باید به گونه ای واقعی با موضوعی که آن را مسئله انگیز یا مبهم می پندارند سرو کار داشته باشند.

ت) ارزشها: در این برنامه کودکان در همان اوایل متوجه می شوند که برخورد ما با موضوعات ارزشی، مستعد مبهم شدن،



دو پهلو شدن و آشفتنگی است. در نتیجه کودکان اموری که آنها را به تفکر دقیق و روشن رهنمون می‌شود، مغتنم می‌شمارند. اما این بدان معنا نیست که تفکر آنها باید بدون شور و شوق یا فاقد احساس عاطفی باشد. کودکان می‌توانند درباره مسائل مورد علاقه شان - یعنی زمانی که موضوع تفکر آنها علاوه بر انتقادی بودن، خوشایند، توأم با احساس عاطفی و دلسوزی است - بهتر تفکر کنند.

ث) خلاقیت: تفکر خوب می‌تواند همانند زمانی که با تمام وجود در داستانی غرق می‌شویم یا هنگامی که فرضیه‌ای می‌سازیم سرشار از تخیل باشد؛ بنابراین P4C به ویژه در زمینه خلاقیت، موفقیت آمیز است.

ج) جمعی بودن: فلسفه، فعالیتی است مبتنی بر گفت و گو؛ این کار، نیازی ضروری به گشودن باب گفت و گو به روی تمام اعضای جامعه دارد. به عبارت دیگر، به کند و کاو همگانی و مشترک نیاز دارد. مردم جهان هنگامی که نسبت به قربانیان بی‌گناه فاجعه‌ای احساس دلسوزی و همدردی دارند به نحوی بهتر از زمانی که فاقد آن هستند، رفتار می‌کنند.

□ روش ابداعی شما، در این زمینه کدام است؟

■ من تعداد زیادی از عناصر و مؤلفه‌های معروف را برگزیده و آنها را با شیوه‌ای نو ترکیب کرده‌ام تا شکل جدیدی از تعلیم را ارائه نمایم. قبل از آنکه فلسفه برای کودکان پیشرفت خود را شروع کند، فلسفه و «تعلیم و تربیت» به کلی از هم جدا و بیگانه تلقی می‌شدند. آنها همانند نفت و آب با یکدیگر مخلوط نمی‌شدند. اما برنامه‌ای چون P4C، که تأکید دارد کودکان در مورد پرسشها، فکر بکر و بهتری داشته باشند و سعی کنند با بحث آزاد به سوالات یکدیگر پاسخ دهند، برنامه‌ای است که یادگیری و دل بستگی، احساس عاطفی و تفکر، تخیل و فهم را با هم ترکیب می‌کند. به این دلیل است که منتقدی با صحبت از کتاب جدید من یعنی تفکر در تعلیم و تربیت (۲۰۰۳)، اظهار می‌دارد که «نویسنده کتاب [یعنی من] احساسه سقراطی بزرگی را آفریده است. این کتاب جلوه‌ای شوق انگیز از آن چیزی است که تعلیم و تربیت می‌تواند باشد و باید باشد.»

من بر آن بوده‌ام الگویی جدید و مبتنی بر تفکر در تعلیم و تربیت ارائه دهم که مفاهیم محوری و انسجام بخش آن، خردمندی یا معقولیت (مربوط به ویژگی فردی) و دموکراسی (مربوط به ویژگی اجتماعی) باشد. این الگو فقط به اهمیت تفکر انتقادی تأکید ندارد، بلکه بر تفکر خلاقانه و تفکر توأم با علاقه نیز تأکید دارد هر سه نوع تفکر لازم و ضروری اند.

این برنامه بر آفرینش، بیان، عمل و احساس به عنوان شریان اصلی تمیز و داوری تأکید می‌ورزد. تمرینات منظم و برنامه ریزی شده این نوع یادگیری و درک مطلب در بطن روایت فلسفی تعلیم و تربیت قرار دارد. ما فن تعلیم چنین تمرینی را «مشارکت در تحقیق» می‌نامیم. این رهیافت تعدیل شده و مبتنی بر همکاری، با مفهوم «تعادل تأملی» راول^{۱۱} و «مکتب اصالت آزمایش» جان دیویی مطابقت دارد.

بسیاری از مفاهیمی که برای کودکان گیج کننده و معماگونه اند همان مفاهیمی هستند که فلاسفه با آنها درگیرند، مفاهیمی همچون قوانین [یا قواعد]، حقیقت، خیر، عدالت و غیره.

با اینکه کودکان درباره این موضوعات و مفاهیم [از پیش] افکار

و عقایدی دارند، با وجود این آنها یاد می‌گیرند که این عقایدشان را به احکام و آرای سنجیده‌ای مبدل سازند. فلسفه برای کودکان با ارائه تعداد زیادی از تمرینها برای یافتن دلایل خوب بر داوریها، کودکان را تحت نوعی آموزش قرار می‌دهد که افق دید آنها را وسیع تر می‌سازد. این برنامه به آنها یاد می‌دهد که چگونه باید فکر کنند.

□ کدام یک از فلاسفه و روان‌شناسان در این کار بیش از همه

روی شما تأثیر گذاشته‌اند؟

■ **جان دیویی**، به جهت درک بسیار زیاد او از کودکان، تأکیدش بر تفکر در کلاس، و تشخیص اهمیت خلاقیت هنری در پرشور و پراحساس ساختن کودکان از لحاظ عاطفی.

جاستون باکلر^{۱۲}، فیلسوف آمریکایی قرن بیستم؛ به جهت مطالعات مهم او در زمینه ماهیت قوه قضاوت آدمی، و همچنین به دلیل کشف نقش قدرت قضاوت و تمیز در تعلیم و تربیت کودکان. **لیو ویگوتسکی**، روان‌شناس قرن بیستم روسی؛ وی ارتباط و وابستگیهای موارد زیر را تشخیص داد. ارتباط بین مباحثه‌های کلاسی و تفکر کودکان، ارتباط بین کودک و جامعه به واسطه معلم و ارتباط بین زبان دنیای دوران بزرگسالی و هوش در حال رشد کودکان.

ژان پیاژه، روان‌شناس قرن بیستم و متخصص تعلیم و تربیت که کار وی رابطه متقابل بین تفکر و رفتار را روشن ساخت.

گیلبرت رایل، فیلسوف قرن بیستم انگلیسی که به تحلیل رابطه بین زبان، تعلیم و تربیت و خودآموزی پرداخت.

جرج هربرت مید، فیلسوف و روان‌شناس اجتماعی آمریکا، که آثار او تقریباً فقط به ماهیت اجتماعی نفس [آدمی] اختصاص دارد.

لودویک ویتگنشتاین، فیلسوف بریتانیایی اتریشی که با حساسیت فوق العاده‌ای در خصوص روابط اجتماعی پیچیده‌ای که باظرفتهای زبانی بیان می‌شود، به کند و کاو پرداخت.

□ امتیازهای روش شما نسبت به سایر نظریه پردازان (فلسفه

برای کودکان) چیست؟

■ من تلاش می‌کنم به کسانی که کارشان تربیت معلمان برای تدریس در کلاسهای درسی است، نشان دهم که در مدارس ابتدایی، تعلیم و تربیت بدون بهره بردن از فلسفه، دقیقاً به همان اندازه ناقص و عقیم است که آموزش بدون بهره مندی از فلسفه در دانشگاه می‌تواند ناقص باشد. کودکان نیاز دارند که برای تمیز بین استدلالهای معتبر و غیرمعتبر (منطق)، بین نظریه‌های شناختی تأیید شده و رد شده (معرفت شناسی)، و بین اشکال قابل قبول و غیرقابل قبول قضاوت اخلاقی (اخلاق) و غیره، ملاکها و موازینی بیابند. مناسب ترین راه برای انجام این کار این است که تعلیم و تربیت را با تمام پیچیدگیهای کلان نوعی تحقیق تلقی کنیم و فلسفه را نیز نحوه‌ای از تحقیق در این نوع تحقیق. فقط از این طریق است که دانش آموزان می‌توانند به تفکر ترغیب شوند. به عبارت دیگر تحقیق را می‌توان جنسی دانست که اشکال مختلف فلسفه، «انواع» آن هستند. از این رو است که ما تحقیقات مختلفی همچون تحقیق اخلاقی، تحقیق زیبایی شناسی، تحقیق اجتماعی و غیره داریم.

امتیاز دیگر این روش این است که اشکال مختلف معرفت و درک ما را هماهنگ و سازگار می‌سازد. کودکان می‌آموزند که می‌توانند با روشی قابل اطمینان، به بسیاری از سوالاتشان بپردازند، به شرطی که این سوالات به عنوان موضوعاتی برای تحقیق فلسفی در نظر گرفته شوند. آنها همچنین در می‌یابند که دقیقاً همین روش در سرتاسر جهان در حال اجراست و طولی نمی‌کشد که این روش بنیادی آنها را قادر سازد تا به نحوی شفاف با سایر کودکان که در برنامه ای مشابه در قاره‌ها و کشورهای مختلف فعالیت می‌کنند، ارتباط برقرار کنند.

□ برای اجرای این برنامه چه شرایط، ابزارها و فضایی لازم

است؟

■ برای پیشبرد این برنامه در کلاس، معلم فقط به یک داستان برای هر کودک و یک کتاب راهنمای آموزشی ویژه خودش نیاز دارد.

با وجود این، معلم باید برای یادگیری نحوه هدایت بحث فلسفی، دوره‌ای را بگذراند. او باید یاد بگیرد که چگونه از تمرینات استفاده کند و مباحث را طرح نماید و اینکه چگونه کودکان را به فکر برای خودشان و در مورد خودشان ترغیب کند. در این دوره‌های آموزشی برای معلمان از کتاب **فلسفه در کلاس درس** (انتشارات تمپل) نوشته اینجانب و خانم شارپ نیز استفاده می‌شود.

بیچه‌های یک کلاس، به همراه معلمشان حلقه وار دور هم می‌نشینند و رو در روی هم با یکدیگر به مباحثه می‌پردازند. شاگردان قسمت تعیین شده کتاب را با صدای بلند می‌خوانند، البته نه بیشتر از یک پاراگراف در هر بار، (توزیع یکسان وقت هم در میان کودکان که پیامدها و استلزامات دموکراتیکی به همراه دارد نباید فراموش شود). وقتی قرائت یک پاراگراف تمام شد معلم با این سوالات شروع می‌کند: آیا در این متن چیز مبهمی برای شما وجود دارد؟ آیا می‌توانید احساس خودتان را در قالب یک پرسش بیان کنید؟ سپس معلم پرسش هر دانش آموز را روی تخته سیاه می‌نویسد و اسم دانش آموز را به همراه شماره صفحه و شماره سطر مورد بحث در کنار آن یادداشت می‌کند. بعد از آن می‌پرسد چه کسی می‌خواهد بحث را آغاز کند. دستها بالا می‌رود و معلم یکی از دانش آموزان را انتخاب می‌کند تا در مورد سوالات نوشته شده روی تخته بحث را شروع کند. در لحظه مناسب، معلم ممکن است تمرینی را در خصوص آن موضوع از کتاب کمک آموزشی مطرح کند. فرض کنید که سؤال شبیه این است « آیا هری و بیل دوست هم هستند؟ » به زودی کودکان شروع به درک این نکته خواهند کرد که مفهوم دوستی، مبهم یا دوپهلوسه و یا هر دو ایراد را دارد و بدین ترتیب معلم می‌تواند بحثی را در زمینه ماهیت دوستی مطرح کند. (استلزامات اخلاقی رابطه دوستی مسلماً توسط دانش آموزان مورد توجه قرار می‌گیرد). بدین طریق کودکان با مفهوم دوستی آشنا و درگیر می‌شوند و پیشرفت کار می‌تواند آنها را نه تنها در فلسفه بلکه در تمامی مطالعاتی که در آنها با مفاهیمی سرو کار دارند کمک کند. این روشی است که فکر آنها را برمی‌انگیزد و تا زمانی که قابلیت نقادی و خود انتقادی را در آنها پدید نیآورد، آرام نمی‌گیرد و این به نوبه خود آنها را به خود اصلاحی سوق می‌دهد.

به شرط اینکه معلم به طور مناسبی آموزش دیده و آماده باشد، کودکان احساس می‌کنند که در زمان اجرای این برنامه، در خانه هستند و معمولاً آن قدر از آن لذت می‌برند که در پایان کلاس، اتمام کلاس برایشان ناگوار جلوه می‌کند. این امر بدین دلیل است که این برنامه، آنها را ترغیب می‌کند تا خودشان برای خودشان فکر کنند و ترجیحاً اجازه ندهند که دیگران به جای آنها و برای آنها فکر کنند. همچنین کودکان دوست دارند که بتوانند افکار خود را به دیگران ابراز دارند و اگر لازم باشد از استدلال خود دفاع کنند و به یکدیگر کمک کنند تا از استلزامات و پیامدهای مفروضاتشان مطلع گردند.

□ آیا فلسفه برای کودکان، برنامه‌ای مناسب برای تمام کودکان جهان است؟

■ هر کودکی به لحاظ ذهنی توانایی استفاده از زبان را داشته باشد استعداد آموزش دیدن در مدرسه و رشد را دارد و لذا توانایی نوعی از گفتمان و بحث فلسفی را نیز دارد. فلسفه زمانی آغاز می‌شود که ما بتوانیم زبانی را که به کمک آن درباره جهان سخن می‌گوییم، مورد بحث و بررسی قرار دهیم. هدف این نیست که کودکان را به فیلسوفانی کوچک تبدیل کنیم، بلکه این است که به آنها کمک شود تا تفکری بهتر از قبل داشته باشند. البته کودکان هر چه بیشتر در گوش دادن و صحبت کردن مهارت یابند، همان قدر سریع تر می‌توانند با فلسفه‌ای انس گیرند که به کار ذهنی، فنون تفکر، داوری و قضاوت تأکید دارد. اما این برنامه کوشش می‌کند تا از هر گونه استفاده از واژگان فنی اجتناب ورزد.

□ آیا در مورد اهمیت و ضرورت‌های این برنامه، پیشنهادی برای متولیان آموزش و فلاسفه ایرانی دارید؟

■ فلسفه برای کودکان برنامه‌ای آموزشی جهانی با هزینه‌های نسبتاً پایین است. اما این امتیاز تا حدی با لزوم پی‌گیری آموزشها برای راه اندازی این برنامه، تعدیل می‌شود. دقیقاً در میان کشورهای در حال توسعه است که فلسفه برای کودکان می‌تواند تحول قابل ملاحظه‌ای ایجاد کند. موارد زیر، مراحلی است که برای کشورهای که در صدد استفاده از فلسفه برای کودکان هستند توصیه می‌شود.

الف) نماینده یا نمایندگان به مرکز بین‌المللی آموزش فلسفه برای کودکان در مندهام نیوجرسی فرستاده شوند، که هر سال در هفته آخر ماه می [اوایل خرداد] و مجدداً در دو هفته آخر آگوست [اوایل شهریور] تشکیل می‌شود. نمایندگان یا باید فیلسوف باشند یا در فلسفه کلاس‌هایی دیده و دروسی را گذرانده باشند. همچنین باید آماده باشند تا بعد از مراجعه به کشور خود، معلمان آینده P4C را آموزش دهند و حتی بلافاصله متون مربوطه را ترجمه کنند و انتشار آنها را پیگیری نمایند. (این برنامه نمی‌تواند بدون وجود چنین ترجمه‌هایی انجام یابد)

ب) اولین گروه معلمان برای تعلیم در دوره‌های یک ترمی یا دو ترمی در قالب آموزش ضمن خدمت انتخاب شوند. (این انتخاب باید محدود به داوطلبان باشد)

پ) برای بهینه کردن ارزیابی کمی و کیفی تأثیر این برنامه باید از متخصصان روان‌شناسی تربیتی کمک گرفته شود. (این کار می‌تواند یک سال یا دو سال بعد انجام گیرد تا اینکه این برنامه به

نحوی جابیفند)

ت) زمانی که برنامه تثبیت شده، بهتر است به پرورش دانشجویانی که پیش زمینه فلسفی دارند بپردازیم تا آنها قبل از شروع خدمت به این آمادگی دست یابند.

□ برای اینکه برنامه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، اجرا شود نقطه شروع چه باید باشد؟

■ در تعیین سلسله مراحل آغازین این برنامه نکاتی چند وجود دارد که باید به آنها توجه نمود.

الف) نماینده یا نمایندگانی که به کنفرانس / کارگاه مندهام فرستاده می شوند باید به اندازه کافی با زبان انگلیسی آشنا باشند و تا اندازه ای پیش زمینه فلسفی داشته باشند. این افراد باید پس از



ما خرسند می شویم که روند و پروسه بزرگ تری را پیشنهاد کنیم، همچون پروسه ترویجی ای که در اکراین در دست داریم. در این طرح به معلمان در زمینه فلسفه برای کودکان تعلیم داده می شود و نیز در سطح لیسانس دانشجویانی در زمینه تفکر انتقادی به تحصیل مشغول اند.

همچنین در آنجا گروه زبان انگلیسی دانشگاه دولتی تعلیم و تربیت کروفگراد^{۱۶} به این کار مشغول است و تعداد قابل توجهی از کادر دانشگاهی دو کشور مبادله می شود. در حال حاضر این برنامه ترویجی [در اکراین] در سومین سال خود بسیار موفقیت آمیز به نظر می رسد.

ذ) بعد از تعلیمی که ایرانیان در کنفرانس / کارگاه مندهام به دست می آورند یکی از اولین کارهایی که بهتر است انجام شود تأسیس یک مرکز ایرانی در زمینه فلسفه برای کودکان است.

این مرکز می تواند اسمی همچون مرکز ایرانی توسعه و پیشبرد فلسفه برای کودکان داشته باشد. این مرکز، اقدام به ترجمه مواد درسی به زبان فارسی و تعلیم معلمان مدرسه خواهد کرد و پروژه های تحقیقاتی را برای تعیین میزان موفقیت این برنامه در مدارس ایرانی هدایت خواهد نمود.

اگر بخواهید می توانید مرکزی که تأسیس می کنید تحت پوشش پژوهشگاه پیشبرد فلسفه برای کودکان در دانشگاه دولتی مونتهکلیر باشد. پرداخت هیچ نوع مبلغی برای این کار مورد نیاز نیست. هزینه اصلی شما مربوط به هزینه سفر و شرکت در کنفرانس / کارگاه مندهام خواهد بود. به غیر از هزینه سفر هوایی، هزینه شرکت در کنفرانس، معادل ۱۷۵۰ دلار برای دو هفته شرکت در کارگاه اگوست و ۱۰۰۰ دلار برای ۸ روز کارگاه ماه می است.

پانوشته:

*The Institute for Humanities and Cultural Studies,

<http://www.ihcs.ac.ir/>

از آقای رضا دانشور به جهت مساعدتهایشان بسیار متشکرم.

1. Mattheo Lipman
2. Philosophy for Children
3. Harry Stottlemeier's Discovery
4. Institute for the Advancement of philosophy for children
5. Montclair
6. Liza
7. P4C علامت اختصاری «فلسفه برای کودکان»
8. Lev Vygotsky
9. Teaching for the test
10. Philosophy with children
11. Rawl
12. Justus Buchler
13. looking for meaning
14. Elfie
15. Kio and Gus
16. Kirov grad

بازگشت به ایران ترجمه متون و نیز تعلیم و آموزش معلمان را هدایت کرده و پیش ببرند.

ب) گروهی از کودکان که برای شروع برنامه برگزیده می شوند باید انتخابی و نمونه باشند. لازم نیست که فقط کودکان تیزهوش را برگزینید. اما شروع این برنامه با گروه خاصی از کودکان همانند کودکانی که از لحاظ احساسی و عاطفی دچار آشفتگی اند یا کودکان ناشنوا، نیز مناسب نیست.

ج) سطح سنی دانش آموزان در ابتدا باید بین ۸ و ۱۰ سال باشد. این خود گویای این است که برنامه باید با پیکی شروع شود. کتاب کمکی مربوط به مربی که به همراه پیکی است کتابی با عنوان در جستجوی معنا^{۱۳} است. منظوری این نیست که گروه های سنی دیگر با سایر برنامه ها حتماً نامناسب اند بلکه صرفاً این است که احتمالات موجود کتاب پیکی را توصیه می کنند. (بنابر این کتاب هری می تواند برای گروه سنی ۱۱ الی ۱۲ سال یا رالفی^{۱۴} برای گروه سنی ۶ الی ۸ سال مفید باشد. اگر برنامه ای را بخواهید که تأکیدش بر مهارت های مربوط به تفکر، توجه و دقت در محیط برای سنین ۶ الی ۹ سال باشد، شما بهتر است با کتاب کیو و گاس^{۱۵} شروع کنید) عملاً همه این برنامه ها شامل تمرین در فنون تفکر و استدلال های اخلاقی است.

د) طرحی که تا بدین جا مطرح شد حداقل هزینه ها را دارد. البته